



## زمین بوم‌های اجتماعی و افتراق‌های هنری در ایران

### نمونه موردی فرش دستباف در ایران مرکزی\*

فرهاد باباجمالی\*\* محمدحسین رامشت\*\*\* محمود محمدی\*\*\*\* ابراهیم مقیمی\*\*\*\*\*

#### چکیده

وقوع مستمر فرایندهای طبیعی، چهره متنوعی از چشم‌اندازها را در عرصه زمین فراهم آورده‌است. سرزمین ایران به سبب پویایی خاص خود، دارای چشم‌اندازهایی است که تفاوت‌های چشمگیری در تنوع آن دیده می‌شود. تفاوت در چشم‌اندازها منجر به ایجاد زمین‌بوم‌های گوناگون در صحنه طبیعی ایران گردیده و سپس ساختارهای اجتماعی ویژه‌ای در آن پدید آمده که هر یک قواعد و انتظام خاصی برای پایداری خویش دارند. بخشی از مؤلفه‌های پایداری این‌گونه زمین‌بوم‌ها مربوط به جلوه‌های گوناگون هنر آنها، از جمله فرش دستباف است. فرش دستباف به‌عنوان یک هنر سرزمینی دارای ابعاد خاصی از هویت مکانی در زمین‌بوم‌های اجتماعی ایران است که ضمن وجود ویژگی‌های مشترک در همه جمعیت‌های یادشده، دارای افتراق‌های آشکاری نیز هست که برگرفته از افتراق هویت مکانی در زمین‌بوم‌های آنهاست.

بنابر آنچه بیان شد، تلاش نگارندگان در پژوهش حاضر بر آن است تا با تمسک به تحلیل سینماتیک و بهره‌مندی از فضای نیچ و متد لوند در حیطه مطالعات میان‌رشته‌ای، ابعاد تازه‌ای از تأثیرات فضا و مکان بر این هنر محور قرار گرفته و به این سؤال نیز پاسخ داده شود که تفاوت‌های چشم‌اندازی و مرایایی به‌دست‌آمده از فرایندهای محیطی به چه میزان در شکل‌گیری زمین‌بوم‌های اجتماعی ایران و هنر فرش دستباف این جمعیت‌ها، تأثیر داشته‌است. نتایج بررسی‌های به‌عمل‌آمده بیانگر این است که یکی از عوامل مهم در چینش زمین‌بوم‌های ایران به‌خصوص ایران مرکزی، مؤلفه‌های متغیر و متنوع محیطی آنهاست. این نسبت در افتراق‌های هنری این جوامع کاملاً مشهود است به‌گونه‌ای که افتراق هنر فرش در این جوامع با درجات متفاوتی ظهور یافته‌است. از این نظر، بین جوامع روان و شهری بیشترین افتراق و بین جوامع روستایی و روان، کمترین افتراق وجود دارد.

**کلیدواژگان:** ایران، مدنیت، هویت مکانی، زمین‌بوم‌های اجتماعی، هنر فرش.

\* مقاله پیش‌رو، برگرفته از پایان‌نامه دکتری فرهاد باباجمالی با عنوان "مؤلفه‌های ژئومورفولوژی و تأثیرات آن بر هویت مدنی و هنر فرش دستباف ایران" به‌راهنمایی دکتر محمدحسین رامشت در دانشگاه اصفهان است.

\*\* دانشجوی دکتری جغرافیا، دانشکده جغرافیا، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول).

babajamali\_farhad@yahoo.com

\*\*\* استاد، دانشکده جغرافیا، دانشگاه اصفهان.

\*\*\*\* استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان.

\*\*\*\*\* استاد، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.

## مقدمه

تنوع محیط طبیعی و تأثیرات آن در زندگی انسان‌ها دارای جذابیت‌هایی است که هم‌اکنون، علوم مختلف با رویکردهای گوناگون به آن نگریسته و هریک، ویژگی‌های حوزه مطالعاتی خویش را در ارتباط با آن جستجو می‌کنند. علمی همچون جغرافیا، علوم اجتماعی و باستان‌شناسی از این دست هستند. در این بین هنرمندان و محققان این رشته‌ها در حیطه علوم انسانی نیز به تأثیرات محیط طبیعی در ظهور جلوه‌های هنری هر سرزمین، نظرات مستقلی را ارائه داده‌اند. اگرچه تا بحال آنطور که شایسته است پژوهش قابل توجهی در این زمینه انجام نگرفته و تأثیرات آن که تابع قوانین و قواعد خاصی می‌شوند، بی‌توجه مانده‌اند لیکن اذعان به ضرورت چنین رویکردی را در ارتباط بین علوم و ایجاد حوزه‌های بین رشته‌ای باید تأیید کرد. همچنین، ایجاد افق‌های تازه برای پژوهشگران و تحقق زمینه‌ای به‌منظور مباحث متنوع و دیدگاه‌های جدید معرفتی در چنین ضرورتی، نهفته است. باتوجه به اینکه تأثیر اجتماعات در اصول مرتبط با فرهنگ و هنر بدیهی است، ابعاد ناشناخته‌ای از تأثیرات فضا و مکان را در عرصه سرزمین ایران می‌توان در حیطه مطالعات میان رشته‌ای مطرح ساخت. هر چند حوزه‌های معرفتی جغرافیا، علوم اجتماعی و هنر کاملاً متفاوت از هم قلمداد می‌شوند و برقراری رابطه علی بین پدیده‌های حوزه اول با دو حوزه دیگر کمی سخت به نظر می‌رسد و همواره با نقادی‌هایی همراه بوده است. باین حال در مقاله حاضر، تلاش بر آن است تا براساس افق‌های جدید معرفتی در حوزه علوم انسانی و تکیه بر رشته‌هایی چون ژئومورفولوژی<sup>۱</sup>، جغرافیای فرهنگی، باستان‌شناسی و هنر شاخص‌هایی از هنر این سرزمین را که متأثر از تفاوت‌های چشم‌اندازی و مریایی حاصل از فرایندهای محیطی است، در قالب علوم جدید و به روش تحلیل سینماتیک<sup>۲</sup> بیان کرد. تفاوت در مناظر جغرافیایی ایران منحصر به افتراق‌های منظر و مریا نیست بلکه پیامد چنین تفاوت‌هایی سبب ایجاد زمین‌بوم‌های اجتماعی<sup>۳</sup> خاصی شده که هریک از آنها هویت مکانی مستقلی را به وجود آورده است. پیرو اینها، رفتارهای متفاوت اجتماعی در فرهنگ، اشکال ظاهری و کارکرد فراورش‌های<sup>۴</sup> هنری پدید آمده است. یکی از بدیع‌ترین اثرهای هنری این زمین‌بوم‌ها، فرش دستباف است که به‌عنوان هویت سرزمینی بین پژوهشگران و هنرمندان مطرح است. هر چند این بدایع هنری در کلیت، اشتراکات زیادی دارند اما در رده‌های پائین‌تر ساختار سلسله مراتبی، دارای ابعاد تازه‌ای از افتراق‌های شکلی، طرح، رنگ و ابعاد و ... هستند. در واقع، طرح این موضوع بیشتر معطوف به چگونگی تأثیرات عناصر محیطی در هنر فرش دستباف است.

به بیان دیگر، با اتکا به شاخص‌های جدید معرفتی سعی بر آن است تا رابطه بین عناصر بالا با شاخص‌های مدنی و هنری فرش دستباف ایران تبیین گردد.

## پیشینه تحقیق

پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام گرفته بیشتر در حوزه‌های علمی مانند جغرافیا، علوم اجتماعی، باستان‌شناسی و هنر است. آن‌کاترین (۱۳۴۵)، در اثر خود باعنوان "مالک و زارع در ایران" از نقش مؤلفه‌های جغرافیایی در تشکیل سیستم‌های اجتماعی سخن به میان می‌آورد (ویل دورانت، ۱۹۸۲). فیلیپ جی. آدلر (۱۳۸۴)، در تحقیق خویش باعنوان "تمدن‌های عالم" این نکته را بیان کرده که اقلیم و تغییرات متناوب آن اشکال گوناگونی از اجتماعات انسانی را در مناطق جغرافیایی به‌گونه جوامع مختلف مدنی گرد آورده است. تأثیرات ریخت‌شناسی زمین بر اشکال متنوع مدنی از مقوله‌هایی است که پوپ (۱۳۸۷) در اثر معروف خود "سیری در هنر ایران" از آن یاد می‌کند. پاتریک نولان و گرهارد لنسکی (۱۳۸۳)، در پژوهشی باعنوان "جامعه‌های انسانی" موضوع میراث محیط و نقش آن بر جوامع انسانی را با دیدگاهی محیطی، بررسی کرده‌اند. سیدسجادی (۱۳۸۴) نیز در پژوهش خود باعنوان "نخستین شهرهای فلات ایران" حوزه باستان‌شناسی نخستین شهرهای فلات ایران و تأثیرات تغییرات اقلیم را بر شکل‌گیری این مدنیت‌ها بیان کرده است. رویکرد محیطی در پژوهش‌های باستان‌شناسی کانون‌های جمعیتی که شه‌میرزادی (۱۳۸۷) و تنی چند از محققان این رشته آنها را انجام داده‌اند نیز، قابل تأمل است. رامشت (۱۳۸۰) در پژوهش‌های متعددی در حوزه ژئومورفولوژی و محیط همچون "کاربرد ژئومورفولوژی در برنامه‌ریزی" عوامل زمین‌ریخت و تغییرات اقلیمی را در شکل‌گیری زمین‌بوم‌های اجتماعی غیرقابل انکار می‌داند. باباجمالی (۱۳۸۸)، در پژوهشی مبتنی بر داده‌های اقلیمی و مؤلفه‌های محیطی باعنوان "استثنائاتی در هویت فضای مدنی ایران" هویت فضای مدنی در ایران و نحوه شکل‌گیری انواع زمین‌بوم‌های اجتماعی ایران را بطور مشروح بیان کرده است. وی در پژوهشی دیگر "گستره جغرافیایی مدنیت در ایران و ..." (۱۳۸۵)، تأثیر مؤلفه‌های جغرافیایی را بر سبک فرش‌های ایران در قالب پژوهش‌های بین‌رشته‌ای به‌انجام رسانده است. از تحقیقات دیگری که گویای تأثیرات عوامل طبیعی در چگونگی شکل‌گیری کانون‌های جمعیتی در ایران است، می‌توان به نعمت‌الهی (۱۳۸۲)؛ "آثار یخساری در دشت نمدان فارس"، کرمی (۱۳۸۵)؛ "ایزوستازی بردتی- حرارتی منطقه آباد، ..."، کیانی (۱۳۸۹)؛ "ژئومورفولوژی تاریخی ماهیدشت در کواترنز"، و قیومی (۱۳۹۰)؛ "بررسی فرایندهای ریخت‌زا و خاک‌زا و ..."

و هوا به عنوان مهم ترین عامل مؤثر در تشکیل چشم اندازهای متنوع ناحیه‌ای و وابستگی آن به شرایط ارتفاعی (ژئومورفیک) و موقعیت جغرافیایی است (رهنمایی، ۱۳۷۱: ۲۷۳).

بسترهای جغرافیایی در فضای ایران، همواره جاذبه‌های قابل توجهی برای استقرار سیستم‌های اجتماعی داشته‌است. این فضا مشتمل بر تنوعی از مکان‌های فرمی از ارتفاعات بسیار بلند تا چاله‌های پست داخلی است. همین تنوع، سبب پیدایش انواع فعالیت‌های اقتصادی در این سرزمین شده‌است. در بررسی رابطه بین تغییرات اقلیمی و چشم‌اندازهای ژئومورفیک<sup>۱</sup> می‌توان گفت که تغییرات اقلیمی، متغیر مستقل و ژئوformها متغیر وابسته قلمداد می‌شوند. در مطالعه رابطه بین ژئوformها و زمین‌بومها هم می‌توان ژئوformها را متغیر مستقل و زمین‌بومها را متغیر وابسته دانست. بدین معنا که تغییرات چشم‌اندازهای ژئومورفیک موجب تغییرات بنیادی در سکن‌گزینی انسان‌ها شده و بعضاً پدیده مهاجرت را به دنبال داشته‌است.

از دیگر تأثیرات تناوب دوره‌های اقلیمی سرد و گرم،<sup>۲</sup> نقش این دوره‌ها بر زمین‌بوم‌های اجتماعی است. زمین‌بوم‌های اجتماعی، مجموعه‌ای مشتمل بر یک جامعه انسانی و یک سیستم طبیعی است که با یکدیگر در تعامل بوده و هویتی خاص را در مکانی جغرافیایی پدید آورده‌اند (کیانی ۱۳۸۹: ۵). این سیستم در بستر زمان تا زمانی پایداری ماند که چشم‌انداز یا سیستم طبیعی تغییری عمده نداشته باشد. یک واحه، ایل، روستا یا یک شهر هر یک به تنهایی می‌تواند یک زمین‌بوم اجتماعی به حساب آید. به دیگر بیان منظور از این مفهوم، سیستم‌های سکونت‌گاهی یا هر نوع پدیده مرتبط با حیات جامعه انسانی است که به نوعی تحت تأثیر پدیده‌ها یا فرایندهای ژئومورفیک با هویتی خاص ایجاد شده باشد.

هویت مکانی در هر منطقه‌ای بستگی به فرایند تاریخ طبیعی آن مکان دارد. برای نمونه، در فرایند عملکرد دوره‌های سرد و ایجاد یخچال‌های دره‌ای<sup>۱۰</sup> یا ورقه‌ای، خط برف مرزهای دائم<sup>۱۱</sup>، خط تعادل آب و یخ<sup>۱۲</sup> و خط تعادل آب و خشکی<sup>۱۳</sup> از جمله موروث‌های طبیعی به‌شمار می‌آیند که در تعریف هویت مکانی روستاها و شهرها و زمین‌بوم‌های ایران مرکزی، نقشی کلیدی داشته‌اند.

از سوئی دیگر، شرایط رطوبتی و توپوگرافیک<sup>۱۴</sup> ایران در مقیاسی کلان‌تر سبب الگوئی از زندگی در ایران شده که در اصطلاح به آن، مدنیت روان<sup>۱۵</sup> گفته می‌شود. بطور کلی براساس مطالعات میان‌رشته‌ای، می‌توان الگوی زمین‌بوم‌های تجربه‌شده در ایران را به شکل‌های زیر طبقه‌بندی کرد (تصویرهای ۱ و ۲).

اشاره نمود. ضمن اینکه، تنی چند از محققان داخلی و خارجی نیز تأثیر محیط بر هنر سازمان‌های اجتماعی از جمله فرش را در پژوهش‌های خویش بررسی کرده‌اند. *صویر اسرافیل* (۱۳۶۸) در مطالعات خود در زمینه هنر فرش با عنوان "کتاب فرش ایران" سبک‌های مختلف آن را ناشی از عملکرد مؤلفه‌های جغرافیایی قلمداد می‌کند. برای استخراج مقادیر کمی از عناصر مورد مطالعه در فرش و مقایسه آنها با یکدیگر از اسناد بسیاری استفاده شده که مهم‌ترین آنها عبارتند از *آلستر هال* و ... (۱۳۷۷)؛ "گلیم"، *سسیل ادواردز* (۱۳۶۸)؛ "قالی ایران"، *نصیری* (۱۳۷۴)؛ "سیری در هنر قالی‌بافی ایران"، *حصوری* (۱۳۸۱)؛ "مبانی طراحی سنتی در ایران"، *یاوری* (۱۳۸۴)؛ "مبانی شناخت قالی ایران"، *تساوی* (۱۳۸۰)؛ "آرایه و نقشه فرش‌های ایران"، *ژوله* (۱۳۸۱)؛ "پژوهشی در فرش ایران"، *پرهام* (۱۳۷۱)؛ "دستبافت‌های عشایر و روستایی فارس".

## مواد و روش‌ها

برای دستیابی به نتایجی که در این پژوهش مورد نظر است، انجام مراحل زیر صورت پذیرفته‌است.

در مرحله اول؛ نسبت به تعیین افتراق چشم‌اندازهای ژئومورفولوژیک ایران اقدام و سیستم‌های محیطی موجود براساس اطلاعات ژئومورفیک طبقه‌بندی و نقشه پراکنش آن در قلمرو ایران، تهیه گردید.

در مرحله دوم؛ به شاخص‌سازی برای تعریف ویژگی‌های هر سیستم طبیعی مبادرت و پاره‌ای از ویژگی‌های اختصاصی هر محیط که می‌توانست رابطه‌ای منطقی با هنر فرش داشته باشد، مشخص شد.

در مرحله سوم؛ منابع مکتوب در زمینه فرش برای استخراج شاخص‌های آن با یکدیگر تطبیق داده و پرسش‌نامه‌ای هم برای سنجش و درستی آزمایی آماری شاخص‌های تهیه شده، فراهم گردید.

در مرحله چهارم؛ نخست شاخص‌های فرش ایران مانند اندازه، گره، رنگ، رج‌شمار، الیاف (خامه)، ضخامت (طول پرز)، طرح و نقش، رنگ‌رزی، تهیه و با نرم‌افزار تاپسیس<sup>۵</sup> پردازش شدند (رامشت ۱۳۹۰: ۳۶۴). سپس در فضای نیچ<sup>۶</sup> و بهره‌گیری از متد لوند<sup>۷</sup>، میزان افتراق آنها ارزیابی شد (فرمول ۱ و جدول ۳). در مرحله پنجم؛ ویژگی‌های هر یک از هر دینگ‌ها با گروه‌های افتراقی در روش لوند تطبیق داده شدند.

## متن

ایران، سرزمینی با اقلیم‌های متفاوت و اوضاع متغیر طبیعی است که دگرگونی‌های ارضی و اقلیمی آن طبعاً موجب و بنیاد دگرگونی‌هایی کلی است (قدیانی، ۱۳۸۱: ۴۵). در نتیجه، آب

- زمین‌بوم‌های سرد<sup>۱۶</sup>؛ شهری و روستایی،
- زمین‌بوم‌های گرم<sup>۱۷</sup>؛ شهری و روستایی،
- زمین‌بوم‌های شناور؛ مدنیت روان با تحرک عمودی، افقی و صحرایی،
- زمین‌بوم‌های هورنشینی،
- زمین‌بوم‌های جنگل‌نشین،
- زمین‌بوم‌های تپه‌ای؛ چغا سیویک<sup>۱۸</sup>،
- زمین‌بوم‌های زمین غارنشینی؛ بوکن یا دستکن‌ها<sup>۱۹</sup>.

### زمین‌بوم‌ها و هنر فرش در ایران

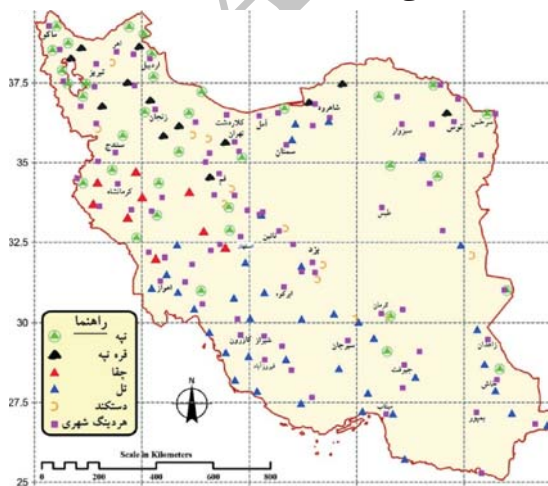
زمین‌بوم‌ها، نظام‌های هویت‌دار و پایداری هستند که به واسطه ارتباط انسان با محیط و شرایط طبیعی به‌وجود آمده و دارای نظام خاص معیشتی، مالکیتی و اجتماعی هستند. همچنین، الگوی جریان ارتباطات بین آنها و محیطشان تحت تأثیر شدید شرایط مکانی و واحدهای طبیعی و محیطی است که در آن زندگی می‌کنند. به بیان دیگر شرایط محیط طبیعی، شکل‌دهنده و پدیدآورنده نظام‌های اجتماعی‌شان تلقی شده و نوعی هویت مکانی و اجتماعی برای آنها فراهم می‌آورند (باباجامالی، ۱۳۸۵: ۳۰-۲۸). هنر چنین سیستم‌هایی نیز متأثر از عوامل و عناصر بالا است. بنابر این هر اثر هنری همانند فرش، چون بخواهد مفهوم هویت سرزمینی را در حکم زبان واحد ملت یا قومی معین نمایان‌سازد، باید درون خود ویژگی‌هایی از تاریخ، سنت، مذهب و فرهنگ ملی را همراه داشته‌باشد و جزئی از ارکان مادی و معنوی آن سرزمین، محسوب‌شود. بدیهی است که در همه جوامع یادشده، بافته‌هایی به‌عنوان مفرش وجوددارند که ایجاد هریک از آنها پیرو قواعد و ساختارهایی است که در آن مکان‌ها پدیدآمده‌اند. در این میان، هنر قالبیابی که در کلام از آن باعنوان فرش دستباف یاد می‌شود، در سه گروه عمده از زمین‌بوم‌های اجتماعی ایران از خصیصه‌های مهم هویت‌زای این سرزمین تلقی می‌شود که عبارتند از: زمین‌بوم‌های روان، روستایی و شهری.

این سخن بدان معنا نیست که در زمین‌بوم‌های دیگر بافته‌ای به‌عنوان فرش وجود ندارد بلکه مفرش‌ها در زمین‌بوم‌های دیگر باعنوان‌های دیگری مانند نمد، حصیر و ... مطرح می‌شوند که در جای خود قابل تأمل هستند (تصویر ۳). در حال حاضر، زمین‌بوم‌های بالا به‌علت شرایط محیطی، نسبت به سه زمین‌بوم یادشده از درجه اهمیت و تراکم جمعیت پائین‌تری برخوردار هستند. از همین رو فرش دستباف در سه زمین‌بوم اجتماعی که پیش از این گفته‌شد، دارای اهمیت بیشتری بوده مطمح نظر نگارندگان این مقاله نیز هست.

### هنر فرش در زمین‌بوم‌های شناور؛ مدنیت روان

عمدتاً زمین‌بوم‌های شناور در حوزه کوهستان‌های زاگرس، فلات آذربایجان، نواحی شمالی ایران، رشته‌کوه‌های البرز، شمال شرق ایران (خراسان) و کانون‌های محدودی که در سایر نقاط مرتفع است، قرار گرفته‌اند. شرایط اقلیمی در این مناطق به‌گونه‌ای است که بیشترین ریزش‌های جوی در آنها رخ می‌دهد. این شرایط، حاصل ارتفاع زیاد، جهت‌ناهمواری‌ها و افت دما در این مناطق است. فرایندهای حاکم بر این مناطق هم نتیجه عوامل برودتی-رطوبتی هستند که در دوره‌های زمانی مختلف بر شدت آنها افزوده یا کاسته‌شده و از این رو، حدود مرزهای آنها تغییر می‌یابد. هنگام برودت، مرزهای کانون برودتی گسترش یافته، میزان رطوبت نیز افزایش می‌یابد و مدنیت‌ها مجبور به عبور از مرزهای این سیستم‌ها می‌گردند. در مقابل زمان کاهش برودت، مرزها به عقب برگشته و مدنیت‌ها به ارتفاعات سوق داده می‌شوند. در نتیجه، در این مناطق شکل زندگی گرچه به‌صورت یکجانشینی شکل نمی‌گیرد لیکن قاعده حاکم بر رفت و آمد انسان‌ها بین این مناطق، شکل خاصی از یک فرهنگ را در برابر عوامل محیطی به‌وجود آورده‌است. این گونه خاص از فرهنگ دارای تمامی خصایص زمین‌بوم‌های بزرگ یکجانشین بوده که در بسیاری از موارد، مکمل آنها هم بوده‌است. مطالعات بوم‌شناسی گویای آن است که گسترده‌ترین توده‌های جمعیتی در حال حرکت، در این نقاط تمرکز یافته‌اند (تصویر ۴).

کثرت زمین‌بوم‌های روان از لحاظ گستره جغرافیایی و تنوع بسیار آنها در عناصر فرهنگی و معیشت این جوامع منجر به تنوع زیاد در فرش‌های آنها شده‌است. از همین رو و برای جلوگیری از طولانی‌شدن کلام در مقاله حاضر، ناچار به مهم‌ترین شاخصه‌های مشترک این هنر در جوامعی که یادشده، اشاره می‌شود (تصویر ۵).



تصویر ۱. نقشه پراکندگی هردینگ‌های اجتماعی ایران (نگارندگان).



متأثر از چنین خصیصه اقلیمی شده‌است. در این مناطق، یکجانشینی نخستین دستاوردی است که محیط برای آنها فراهم می‌آورد.

هنر فرش در این جوامع بخاطر فرار گرفتن در مکانی ویژه و حد فاصل بین دو زمین‌بوم روان و شهری ضمن حفظ استقلال هنری، دارای تأثیراتی از هر دو جامعه یادشده، به‌خصوص اشتراکات ساختاری با زمین‌بوم‌های روان است (تصویر ۶). ویژگی‌های این فرش‌ها به‌قرار زیر است.

- اندازه فرش‌ها بخاطر یکجانشینی و معماری خاص، در ابعاد قالی و قالیچه‌ها بر دیگر ابعاد فرش‌ها ارجحیت دارد.
- گروهی از این جوامع، فرش را با گره متقارن و گروهی با گره نامتقارن تولید می‌کنند.
- طیف رنگ‌های به‌کاررفته در قالی‌ها بیشتر مانند زمین‌بوم‌های روان و تاحدودی هم تحت تأثیر قالی‌های شهری است.
- رجشمار فرش این جوامع بین ۵۰-۲۰ گره است.
- الیاف آنها ترکیبی از پشم، پنبه و مقداری مو است.
- ضخامت پرزها از ۵/ تا ۳ سانتی‌متر در نوسان است.
- نقوش به‌کاررفته در فرش‌ها به‌صورت شکسته، هندسی، شاخه‌شکسته و اندکی نقوش منحنی است.
- رنگرزی آنها به‌صورت گیاهی، حیوانی فرآوری می‌شود.

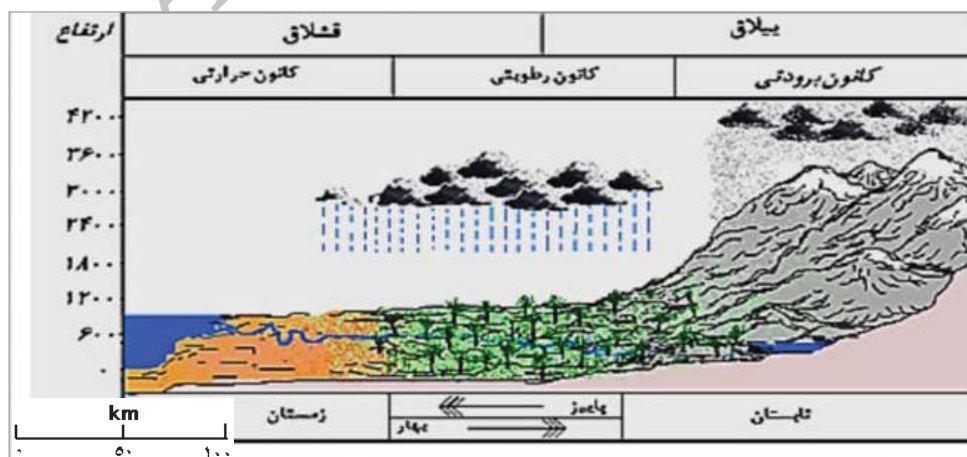
#### هنر فرش در زمین‌بوم‌های شهری

هسته اولیه بسیاری از زمین‌بوم‌های شهری در سواحل دریاچه‌های گذشته پایه‌گذاری شده‌است که پس از خشک‌شدن دریاچه، سایر منابع آبی تداوم آن را تضمین کرده‌اند. این منابع آبی می‌توانند ذخیره برف دائمی یا موقتی باشند که ارتفاعات اطراف، آن را تأمین می‌کرده‌است و با نفوذ تدریجی، ذخایر آب زیرزمینی را به‌وجود آورده یا در مواقعی، جریان‌های دائمی آب‌های سطحی را به‌راه انداخته‌اند. البته

- نقوش در این فرش‌ها به‌صورت شکسته، هندسی و عناصر فرهنگی و محیطی در قالب‌های نمادین متجلی شده‌اند.
- بخاطر تحرکات دائمی در مسیرهای کوچندگی، فرش‌ها در اندازه محدود بیشتر بین یک تا چهار متر مربع تولید می‌شوند.
- الیاف به‌کاررفته در آنها تمام از پشم خالص، دست‌ریس و در محیط زندگی فراهم شده‌است.
- طیف رنگ‌های مورد استفاده تنوع زیادی ندارند و بیشتر از رنگ‌های گرم و بعضی رنگ‌های تند مانند قرمزها، سیاه، زرد، آبی، سبز، سفید، نخودی و خامه‌های خودرنگ، استفاده می‌شود.
- زمان کوتاه برای تولید، متریک زیاد خامه و نوع کاربری فرش باعث انتخاب رجشمار پائین بین ۴۰-۲۰ گره است.
- ضخامت (طول) پرزهای فرش بخاطر شرایط محیطی بین یک تا چهار سانتی‌متر است.
- رنگرزی الیاف کاملاً طبیعی و با رنگزاهای گیاهی در دسترس صورت می‌گیرد.
- گره در فرش‌های این جوامع از دیرباز به‌صورت متقارن بوده که از گره‌های بسیار پایدار قلمداد می‌شود.
- وجود ابرش (سایه روشن) و دورنگی‌های موضعی، عدم تقارن در نقوش این قالی‌ها بخاطر تحرکات دائمی و در دسترس بودن آبی مواد و مصالح مورد نیاز در مسیر حرکت آنهاست که جزء خصیصه‌های ذاتی آنها محسوب می‌شود.

#### هنر فرش در زمین‌بوم‌های روستایی

این مکان‌ها برحسب شدت برودت، ریزش‌های جوی و مدت سیطره برودت تفاوت‌های چشمگیری با دیگر مناطق دارند. به‌گونه‌ای که از یک‌سو تمامی اشکال سکونتی و معیشتی تحت تأثیر عوامل محیطی همچون مکان استقرار سکونت‌گاه قرار گرفته و از سوی دیگر، جلوه‌های معماری و هنری آنها

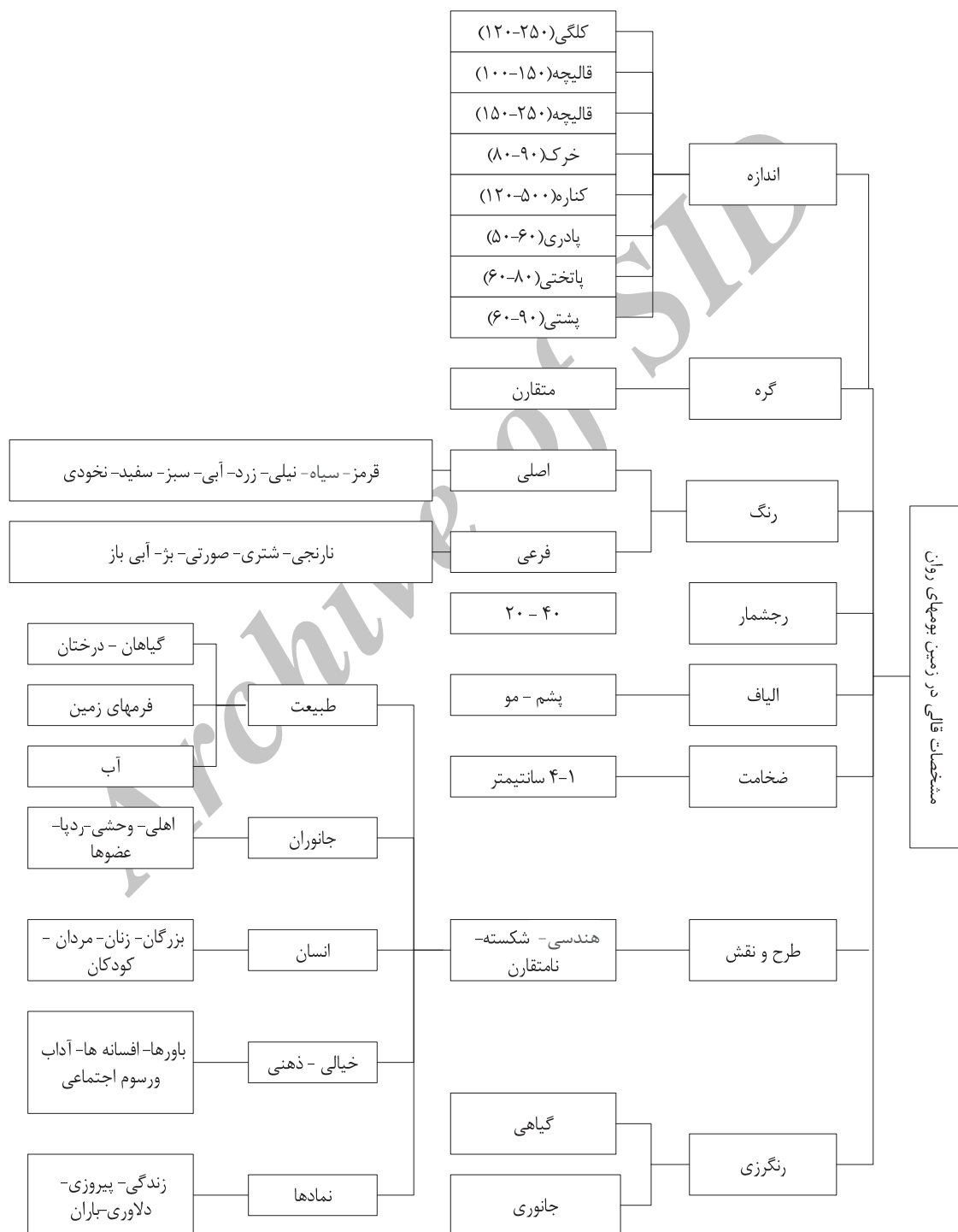


تصویر ۴. تحرکات زمین‌بوم‌های روان؛ مدنیت روان (نگارندگان).



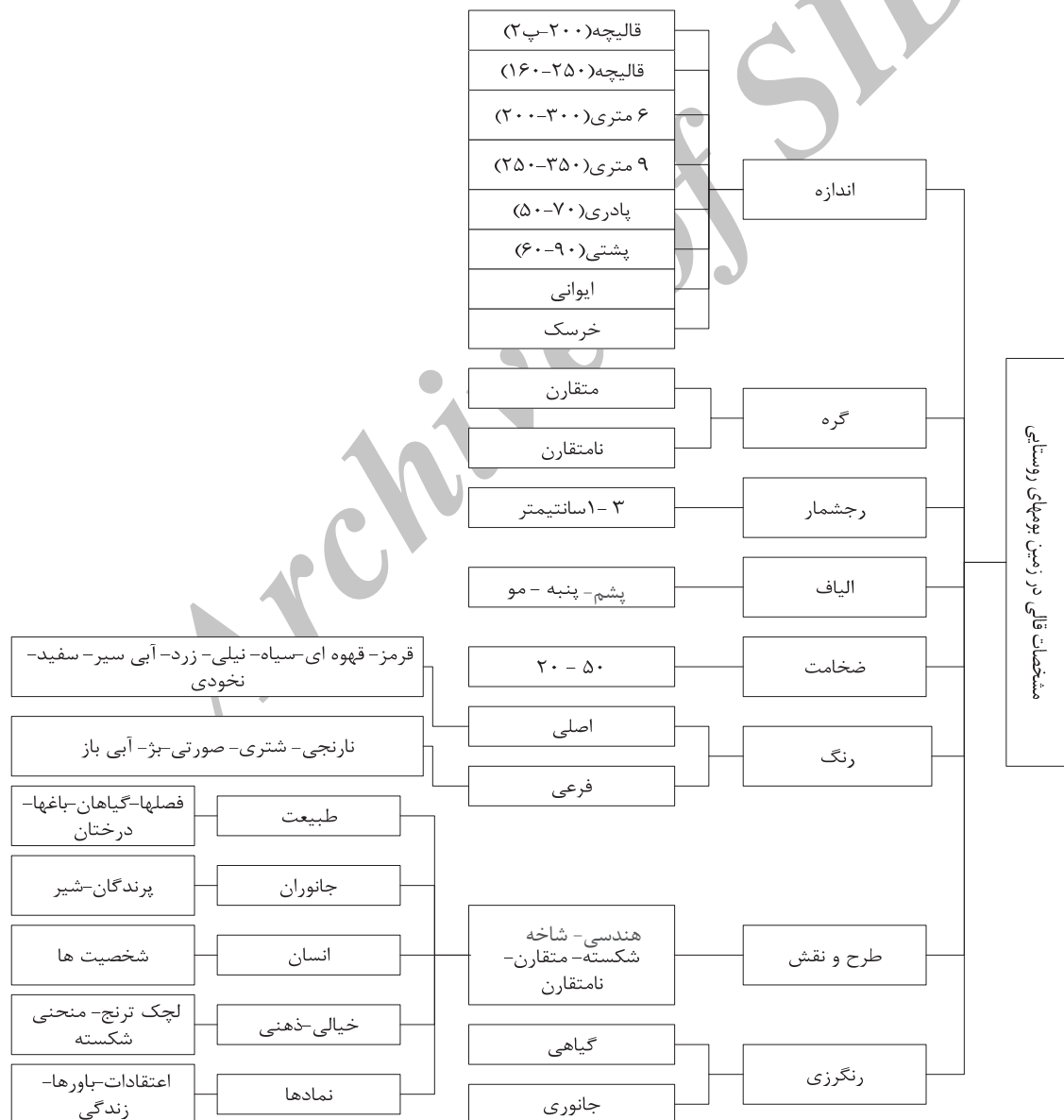
اجتماعی، فعالیت‌های اقتصادی، روابط اجتماعی و خصلت‌های نهادینه‌شده درون افراد ساکن شهر است که در قالب مدنیت شهری تبلور می‌یابند. فرش که به‌نوعی آفرینش هنری زمین‌بوم‌های روان و روستایی قلمداد می‌شود، هنگام رسوخ به جوامع مدنی بزرگ‌تر به‌خصوص زمین‌بوم‌های شهری به‌گونه‌ای تحت تأثیر عامل‌های

باید به این نکته توجه کرد که اصطلاح مدنیت شهری تنها به‌شکل ظاهری شهر معطوف نیست و هر تجمع جمعیتی بزرگ و ساکن را که اکنون شهر نامیده می‌شود، نمی‌توان تمدن شهری دانست. بلکه می‌بایست پارامترهای دیگری را هم در نظر گرفت تا بتوان یک کانون جمعیتی را دارای مدنیت شهری به حساب آورد. این پارامترها شامل ساختار



تصویر ۵. نمودار مشخصات فرش‌های دستباف در زمین‌بوم‌های شناور (نگارندگان).

- مکانی قرار گرفته و پدیده‌ای نو به‌ویژه از حیث نقوش، رنگ، اندازه و کاربری‌های مختلف پیدا کرده که به‌شرح زیر است (تصویر ۷).
- فرش‌ها به‌خاطر نوع معماری در اندازه‌های متنوع‌تر و بیشتر بزرگ‌تر تولید می‌شوند.
  - گره بیشتر بافته‌ها از نوع نامتقارن است.
  - رنگ فرش غالباً زیاد تا ده‌ها رنگ در یک فرش و دارای تنوع بسیار است.
  - تراکم گره در مساحت به‌منظور ایجاد جلوه‌های واقعی در نقوش بسیار فراتر از دو زمین‌بوم روان و روستایی است.
  - ساختار الیاف به‌منظور سبک‌سازی وزن، مساحت بزرگ‌تر و
- آراستگی ظاهری دارای متریک‌های متفاوت و در جنس‌های متعدد است.
- ضخامت پرزهای فرش اندک بوده و به پائین‌تر از یک سانتی‌متر رسیده‌است.
  - طرح و نقوش دارای انتظام و قواعدی است که برگرفته از هنرهای دیگر این زمین‌بوم‌هاست. همچنین، غالباً دارای قرینگی در اجزا بوده‌اند از این روست که به نقوش منحنی گردان موسوم شده‌اند.
  - رنگ‌رزی برای ایجاد تنوع در تعداد آنها همچنین زیبایی ظاهری فرش، به‌سمت استفاده از رنگ‌های غیرطبیعی سیر می‌کند.



تصویر ۶. نمودار مشخصات فرش‌های دستباف در زمین‌بوم‌های روستایی (نگارندگان).

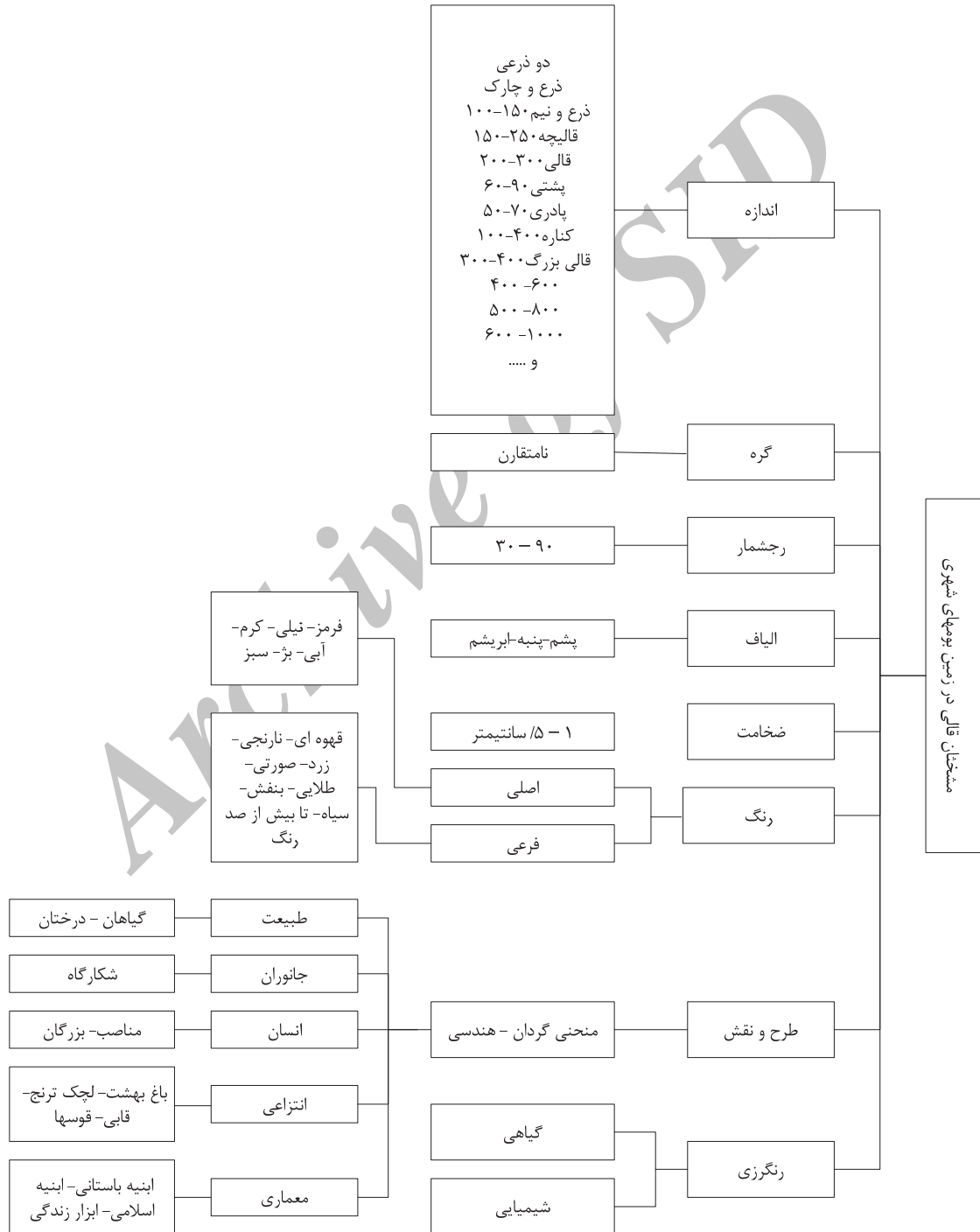




متعددی است. یکی از این مزیت‌ها، تبیین افتراق فضایی با روایی به نسبت بالا به وسیله مدل ریاضی در زمین‌بوم‌هایی است که فرش دستباف یا به تعبیری قالی به عنوان فراورشی هنری و هویتی مشترک بین آنها و به خصوص سه زمین‌بوم؛ روان، روستایی و شهری مطرح است. کمیت‌پذیری عناصر کیفی موجود در هنر قالی ایران دارای پیچیدگی‌های خاص خود بوده و اجرای طرح آن

## تحلیل آماری از افتراق‌های فرش دستباف در زمین‌بوم‌های اجتماعی ایران

با اینکه روش‌های توصیفی درباره افتراق‌های فرش دستباف در زمین‌بوم‌های ایران، نسبت هویت‌های مکانی و تأثیرات آن را در این هنر گویامی‌سازد لیکن تمسک به روش‌های آماری برای آشکارسازی چنین روابطی، دارای مزیت‌های



تصویر ۷. نمودار مشخصات فرش‌های دستباف در زمین‌بوم‌های شهری (نگارندگان).

به‌سادگی امکان‌پذیر نیست. از این رو به‌ناچار با روش‌های مختلف همچون مقایسه تعداد متناهی اسناد مکتوب و از طریق میان‌یابی، همچنین طرح پرسش‌نامه‌هایی متعدد بالغ بر ۱۵۰ مورد در مناطق مختلف، کمیت‌های مورد نظر به‌دست‌آمد (جدول ۱). با به‌دست‌آمدن اطلاعات و ارقام خام و بهره‌گیری از روش‌های آماری که قبلاً از آنها یاد شد، نسبت به تعیین افتراق فرش دستباف در زمین‌بوم‌های ایران اقدام شد. لازم به یادآوری است که تعداد ۲۴ جدول، در بردارنده مجموع عملیات آماری بود که درج آنها بخاطر گنجایش و محدودیت صفحات مقاله پیش‌رو امکان‌پذیر نبوده برای همین، جدول‌های حاوی نتیجه، ضمیمه بحث گردید. مراحل کلی که در تهیه ماتریس گروه افتراقی فرش دستباف در هر دینگ‌ها انجام گرفت، به شرح زیر است.

۱. مقدار عددی شاخص‌های اصلی فرش با روش‌های علمی که شرح آن گذشت، به‌دست‌آمد (جدول ۱).
۲. مقدارهای به‌دست‌آمده در هر شاخص، به توان دو رسید و جمع جذری آنها محاسبه گردید.
۳. به‌منظور یکسان‌سازی شاخص‌های فرش، از تقسیم هر عدد به جمع جذری عددها، جدول ماتریس بدون بُعد هر شاخص تهیه شد.
۴. در مرحله بعد برای به‌دست‌آوردن ماتریس وزین بدون بُعد هر شاخص، نسبت به اهمیت و تأثیرگذاری آن در گروه وزن‌دهی شد به‌نحوی که مجموع اوزان عدد یک شود.

نتایج به‌دست‌آمده بالا که در جدول ۲ نیز ارائه شده بیانگر این است که همه افتراق‌ها در مؤلفه‌های اصلی فرش به‌بیان ریاضی هم دارای تفاوت‌های آشکاری است. برای نمونه، اگر در الیاف مورد استفاده در قالی، پشم جزء ساختار اصلی و مطلوب آن فرض شود که در واقع نیز چنین است، به‌کارگیری آن در زمین‌بوم‌های روان در حد اعلائی خود قرار دارد. مطلوبیت این لیف به‌عامل‌هایی مانند دسترسی آسان، شرایط استفاده از آن در محیط خاص و ویژگی‌های کاربردی‌اش بستگی دارد. حال آنکه شرایط استفاده از همین الیاف در زمین‌بوم‌های روستایی به‌نحو دیگری است. بطوری‌که لیف‌های مورد استفاده در قالی این زمین‌بوم‌ها از امتزاج پنبه و پشم حاصل می‌شود. در اینجا عوامل مکانی و محیطی منجر به یکجانشینی شده و دسترسی، فراغت بیشتر و استفاده از پنبه، باعث شده که افزون بر افتراق ساختاری، شیوه تولید هم دستخوش تغییراتی شود. بنابر این، این مؤلفه دارای افتراقی معادل ۰/۲ نسبت به زمین‌بوم‌های روان و ۰/۳ نسبت به زمین‌بوم‌های شهری است.

اشتراک آن هم با زمین‌بوم‌های روان بیشتر است. در زمین‌بوم‌های شهری، تفاوت در به‌کارگیری الیافی همچون ابریشم باعث برخورداری از تنوع و ویژگی‌هایی می‌شود که مطلوبیت‌های متفاوتی همانند زیبایی ظاهری نسبت به دو جامعه دیگر دارند. بدین ترتیب، مؤلفه‌های دیگری نیز مانند مساحت، گره و رجشمار دارای چنین افتراق‌هایی در جزئیات هستند.

تهیه ماتریسی از همه عوامل یادشده با بهره‌گیری از روش لوند (فرمول ۱)، افتراق فضایی را در فراورش هنر فرش آشکارتر می‌سازد که به‌قرار زیر است.

- افتراق فضایی بین زمین‌بوم‌های روان و شهری، بزرگ‌ترین اختلاف را نشان می‌دهد.
- افتراق بین زمین‌بوم‌های روستایی و شهری، بیشتر از روستایی به روان است.
- افتراق بین زمین‌بوم‌های روان و روستایی، کم‌ترین اختلاف را نشان می‌دهد.

ارقام ارائه‌شده در جدول بالا بیانگر این است که ساختارهای فرش در محیط‌های شهری، افتراق فزاینده‌ای نسبت به دو جامعه دیگر دارند. آن‌گونه که هرچه از این محیط فاصله گرفته‌شود، از شدت افتراق بین زمین‌بوم‌های دیگر کاسته می‌شود.

درواقع، بهره‌مندی از امکانات در دو محیط برای ایجاد فراورشی مانند فرش دستباف اگرچه منجر به تولید یک هنر شده لیکن این هنر در هریک از این جوامع، متکی بر عناصر تشکیل‌دهنده مدنیت جامعه یادشده است.

افتراق بیشتر بین دو جامعه شهری و روان، نشان‌دهنده افتراق بیشتر محیطی آنها نیز هست. افتراق کمتر بین دو جامعه روان و روستایی نیز گویای تشبیهات محیطی و مؤلفه‌های دیگر مدنی آنها است.

این سخن، بدان معناست که مؤلفه‌های مکانی هویت‌ساز نقش خود را در پدیده‌های هنری و دستاوردهای دیگر آنان نیز بخوبی نشان می‌دهند. اگرچه اشتراکات این دست‌بافته باعث شده‌است این هنر در تمامی زمین‌بوم‌هایی که تولید آن انجام می‌شود به‌نام قالی رقم زده‌شود لیکن اهمیت موضوع در آن است که اجزای شکل‌دهنده این هنر و روش‌های فراهم‌سازی چرخه‌های تولید منحصراً در مکان خاصی به‌وجود آمده‌اند. این امر، موجب پدیدآمدن فرش‌های نامی خاص دارای همان عناصر اما ترکیبی متفاوت شده‌است. بنابر این اگر از سبک‌های فرش سخن به‌میان می‌آید، مفهومی است که مکان بر دوش این هنر نهاده‌است.

جدول ۱. کمی‌سازی عناصر و ساختارهای فرش دستباف در زمین‌بوم‌های مختلف

زمین‌بوم‌های روستایی	زمین‌بوم‌های شهری	زمین‌بوم‌های روان	زمین‌بوم‌ها
میانگین به متر	میانگین به متر	میانگین به متر	مساحت قالی
۶	۹	۴	میانگین متر
درصد	درصد	درصد	الیاف
۷۰	۶۰	۹۰	پشم
۲۵	۳۰	۳	پنبه
۵	۰	۷	مو
۰	۱۰	۰	ابریشم
تعداد در ۷/۵ سانتی‌متر	تعداد در ۷/۵ سانتی‌متر	تعداد گره در ۷/۵ سانتی‌متر	رجشمار قالی
۳۵	۶۰	۳۰	میانگین
درصد	درصد	درصد	رنگ
۳۷	۱۵	۴۰	قرمز
۲۵	۴۰	۱۵	کرم
۱۲	۱۲	۷	نیلی
۶	۱۰	۶	آبی
۲	۱	۳	سبز
۲	۲	۳	زرد
۴	۵	۷	سفید
۲	۲	۲	نارنجی
۴	۲	۴	قهوه‌ای
۲	۱۰	۶	شتری
۳	۱	۵	سیاه
۱	۱	۲	طلایی
درصد	درصد	درصد	رنگ‌رزی
۷۰	۵۰	۹۰	گیاهی
۵	۰	۱۰	جانوری
۲۵	۵۰	۰	شیمیایی
ارتفاع پرز	ارتفاع پرز	ارتفاع پرز	ضخامت قالی
۳-۰/۵	۰/۷۵-۰/۵	۱-۴	سانتی‌متر
درصد	درصد	درصد	طرح و نقش
۳۵	۰	۸۷	شکسته
۱۵	۲۰	۱۰	هندسی
۵۰	۰	۳	شاخه شکسته
۰	۸۰	۰	منحنی گردان
درصد	درصد	درصد	گره قالی
۷۰	۳۰	۱۰۰	متقارن
۳۰	۷۰	۰	نامتقارن

(نگارندگان)



جدول ۲. شاخص‌های کمی بی‌بعد افتراق ساختارهای فرش دستباف

گره	طرح و نقش	ضخامت	رنگرزی	مساحت	رجشمار	الیاف	رنگ آمیزی	ساختار فرش هردینگ
۱۷	۱۴۲	۱۳۶	۱/۰۱	۱۳۸	۱۱۶	۱۸۰	۱۴۵	روان
۱۷۶	۱۳۵	۱۵۰	۱۹۵	۱۴۳	۱۲۱	۱۷۸	۱۴۰	روستایی
۱۵۵	۱۳۳	۱۲۵	۱۶۵	۱۴۱	۱۶۳	۱۷۵	۱۳۱	شهری

(نگارندگان)

جدول ۳. ماتریس افتراق ساختارهای فرش دستباف در زمین‌بوم‌ها

زمین‌بوم‌ها	روان	روستایی	شهری
روان	۰	۱۹۸۹	۱۶۴۵۱
روستایی	۱۹۸۹	۰	۱۶۱۸۷
شهری	۱۶۴۵۱	۱۶۱۸۷	۰

(نگارندگان)

## نتیجه‌گیری

در مجموع می‌توان در پاسخ به این پرسش که افتراق‌های محیطی به چه میزان در شکل‌گیری زمین‌بوم‌های اجتماعی ایران و هنر فرش دستباف در این جمعیت‌ها تأثیر داشته‌اند، این نکته را بیان کرد که مکان به آن مفهومی که در علوم جغرافیا و به‌خصوص زمین‌ریخت‌شناسی به آن پرداخته می‌شود، در شکل‌گیری هویت سکونت‌گاه‌های ایران نقشی انکارناپذیر دارد. هرچند در این فضا، عناصر دیگری نیز در ایجاد چنین نقشی دخالت داشته‌اند اما نقش مکان در شکل‌گیری هویت جوامع مدنی در ایران غیرقابل انکار است. به‌گونه‌ای که افتراق‌های مکانی و چشم‌اندازها منجر به شکل‌گیری سیستم‌های اجتماعی متعدد در این فضا شده‌اند.

این جوامع به‌تبع پویایی و افتراقات مرایایی محیط، دارای خصایص متفاوتی در سلسله مراتب خود شده‌اند. افتراق‌ها به قدری بارز هستند که در لایه‌های گوناگون زندگی این جوامع نیز رسوخ کرده‌اند. نمونه بارز این سخن، هنر است که در جوامع مذکور دارای خصلتی است که به‌طور آشکار افتراقات متأثر از محیط، در آنها متجلی است. هنر فرش که یکی از فراورش‌های مشترک زمین‌بوم‌های اجتماعی ایران تلقی می‌شود علی‌رغم وجود مشترکات، خوبی می‌توان به مفهوم افتراق‌های ساختاری در آن با توجه به ویژگی‌های مکانی تولیدکنندگان پی برد. این افتراق‌ها، هم در شیوه‌های فراهم‌سازی چرخه تولید و نمادپردازی‌ها در قالب طرح و نقش، رنگ، اندازه، رجشمار و ... در صحنه ظاهری فرش و هم در چگونگی کاربردی‌سازی آن اتفاق افتاده‌است.

نسبت افتراق‌های این هنر در زمین‌بوم‌های مورد مطالعه نیز، با درجات متفاوتی ظهور کرده‌است. بطوری که هرچه از سمت زمین‌بوم‌های شهری به سوی زمین‌بوم‌های روان دور شویم، تفاوت‌های ساختاری و ظاهری دست‌بافته‌ها بارزتر می‌شوند. این بدان معناست که افتراق‌های هنری در زمین بومها از تفاوت محیطی آنها پیروی می‌کنند. در این میان، بیشترین افتراق بین زمین‌بوم‌های شهری و روان دیده می‌شود که نشان‌دهنده تفاوت‌های به‌نسبت مهمی بین آنهاست. کمترین افتراق هم میان زمین‌بوم‌های روستایی و روان رخ داده‌است.

قرار گرفتن زمین‌بوم‌های روستایی بین دو زمین‌بوم شهری و روان باعث شده تا فاصله افتراق‌های این زمین‌بوم‌ها نسبت به هر دو زمین‌بوم یادشده، کمتر شود و در فراورش‌های هنری از جمله فرش دستباف ضمن حفظ ارزش‌های مکانی خود، از دو جامعه نزدیک به خویش نیز، تأثیرپذیرد.

در نتیجه، براساس متد لوند می‌توان ریشه‌های مفاهیمی چون سبک را در فراورش‌های هنری از جمله فرش دستباف، در هویت مکانی آنها جستجو و مؤلفه‌های مکانی را به‌عنوان تأثیر گذارترین عنصر هویت‌ساز برای این جوامع تلقی کرد.

- 1- Geomorphology: زمین‌ریخت‌شناسی
- ۲- تحلیل سینماتیک تحلیلی بر مبنای مفاهیم و به‌عبارتی تحلیلی مفهومی است.
- 3- Social Herding Systems
- هردینگ سیستم اجتماعی یا زمین‌بوم‌های اجتماعی؛ نظام‌های هویت‌دار و پایداری هستند که به‌واسطه ارتباط انسان با محیط و شرایط طبیعی به‌وجود آمده و دارای نظام خاص معیشتی، مالکیتی و اجتماعی هستند و الگوی جریان ارتباطات بین آنها و محیطشان تحت تأثیر شدید شرایط مکانی و واحدهای طبیعی و محیطی است که در آن زندگی می‌کنند.
- ۴- فرآورش معادل حاصل‌خیزی، باروری، سودمندی و تولید است (Productivity).
- 5- Topsis
- ۶- فضای نیچ (Niche)، عبارت از مجموعه عناصری است که نیازهای یک جمعیت را برای حیات و استمرار تأمین می‌کند و ضمن سنجش روابط آن با سایر جمعیت‌ها، نقش جمعیت مزبور را در سیستم مشخص می‌سازد.
- ۷- متد لوند (Lond)، یک بیان ریاضی در علوم مختلف است که پژوهشگر در قالب آن و براساس نوع مطالعه‌ای که انجام می‌دهد، از آن بهره‌می‌گیرد. معمولاً از این روش برای بیان همبستگی‌ها و گاه تفاوت یا تفاضل‌ها استفاده می‌شود. در واقع، نوع پژوهش و هدف محقق در تعیین آن دخالت دارد و فرمول آن را نیز بر همین اساس محقق تدوین می‌کند. در این پژوهش برای روایی مطلوب از افتراق‌های هنری به بیان ریاضی و آمار، از این روش بهره‌گرفته شده است.
- 8- Geomorphic: زمین‌ریخت
- ۹- تغییرات اقلیمی دوران چهارم زمین‌شناسی (کواترنر)، باعث به‌وجود آمدن تناوب دوره‌های سرد و گرم اقلیمی در کره زمین شده و همه عناصر از جمله بیوم‌ها تحت تأثیر این عوامل، دچار تحولات بسیاری شده‌اند.
- ۱۰- یخچال‌های دره‌ای نتیجه انباشت یخ و برف در ارتفاعات ایران هنگام حاکمیت دوره سرد بوده است.
- ۱۱- خط برف مرز دائمی، خطی است که از آن نقطه به بالا، بارش‌ها به‌صورت جامد روی ارتفاعات باقی می‌ماند.
- ۱۲- خط تعادل آب و یخ، خطی است که هنگام پائین آمدن زبانه‌های یخی از ارتفاعات، از آن به بعد ذوب می‌شوند.
- ۱۳- خط تعادل آب و خشکی، خطی است که آب دریاچه‌های بسته داخلی هنگام تعادل در ورودی و خروجی آب، با خشکی داشته‌اند.
- 14- Topographic: پستی و بلندی
- ۱۵- عشایر
- ۱۶- زمین‌بوم‌های سرد به کانون‌های جمعیتی‌ای اطلاق می‌شود که هنگام حاکمیت دوران سرد اقلیمی به‌وجود آمده‌اند.
- ۱۷- زمین‌بوم‌های گرم به کانون‌های جمعیتی‌ای اطلاق می‌شود که هنگام حاکمیت دوران گرم اقلیمی به‌وجود آمده‌اند.
- ۱۸- زمین‌بوم‌های تپه‌ای (Choqa civic) به مکان‌های استقرار جمعیت روی تپه‌های طبیعی یا دست‌ساز در گذشته اطلاق می‌شود.
- ۱۹- زمین‌بوم‌های غار نشینی، سیستم‌های اجتماعی است که سکونتگاه‌های خود را با حفر کردن در رسوبات مختلف زمین ایجاد می‌کرده‌اند.

## منابع و مآخذ

- آلستر هال، جوزه لوچیک و یووسکا (۱۳۷۷). گلیم، ترجمه شیرین همایون و نیلوفر الفت شایان، تهران: کارنگ.
- آن کاترین سراپن فورد، لمبتون (۱۳۵۴). مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ادوارد زرتورسیل (۱۳۶۸). قالی ایران، ترجمه مهین دخت صبا، تهران: فرهنگسرا.
- اشنبرنر، اریک (۱۳۷۴). قالی و قالیچه‌های شهری و روستایی ایران، ترجمه مهشید تولایی و محمدرضا نصیری، تهران: یساولی.
- اکرمی، صفی (۱۳۸۵). ایزوستازی برودتی-حرارتی منطقه آباد، برقوه و تعامل ژئوفیک آنها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده جغرافیا، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- باباجمالی، فرهاد (۱۳۸۵). گستره جغرافیایی مدنیت در ایران و تأثیر مکان‌های جغرافیایی بر هنر و سبک فرش ایران، ماهنامه قالی ایران، (۶۹)، ۳۱-۲۸.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). استثنانگاری در هویت فضای مدنی ایران، فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیا و مطالعات محیطی، (۱)، ۱۴-۷.



- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). *مؤلفه‌های ژئومورفولوژی و تأثیرات آن بر هویت مدنی و هنر فرش دستباف ایران*، رساله دکتری، دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- بیگ محمدی، حسن (۱۳۸۲). *مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی ایران*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- پاتریک، نولان و گرهارد لنسکی (۱۳۸۳). *جامعه‌های انسانی*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی‌پرهام، سیروس (۱۳۷۱). *دستبافت‌های عشایر و روستایی فارس*، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- پوپ، آرتور اپهام (۱۳۸۷). *سیری در هنر ایران*، ترجمه گروه مترجمان زیر نظر سیروس پرهام، ج ۱، تهران: علمی و فرهنگی.
- تناولی، پرویز (۱۳۸۰). *آرایه و نقشه فرش‌های ایران*، تهران: یساولی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳). *گبه هنر زیر پا*، تهران: یساولی.
- حصوری، علی (۱۳۸۱). *مبانی طراحی سنتی در ایران*، تهران: چشمه.
- رامشت، محمدحسین (۱۳۸۰). *دریاچه‌های دوران چهارم بستر تبلور مدنیت در ایران*، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، (۶۰)، ۹۰-۱۱۱.
- رامشت، محمدحسین و شاهزیدی، سمیه سادات (۱۳۹۰). *کاربرد ژئومورفولوژی در برنامه‌ریزی*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- رهنمایی، محمدتقی (۱۳۷۱). *توان‌های محیطی ایران*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.
- ژوله، تورج (۱۳۸۱). *پژوهشی در فرش ایران*، تهران: یساولی.
- سید سجادی، سید منصور (۱۳۸۴). *نخستین شهرهای فلات ایران*، ج ۱، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- صور اسرافیل، شیرین (۱۳۶۸). *کتاب فرش ایران*. تهران: چاپخانه فردین.
- فیلیپ، جی. آدلر (۱۳۸۴). *تمدن‌های عالم*، ترجمه محمدحسین آریا، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- قدیانی، عباس (۱۳۸۱). *تأثیر فرهنگ و تمدن ایران در جهان*، تهران: فرهنگ مکتوب.
- قیومی، حمید (۱۳۹۰). *بررسی فرایندهای ریخت‌زا و خاک‌زای پدیده آورنده تحولات طبیعی و مدنی زاینده رود در کواترنر*، رساله دکتری، دانشکده جغرافیا، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- کیانی، طیبه (۱۳۸۹). *ژئومورفولوژی تاریخی ماهیدشت در کواترنر*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده جغرافیا، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- مرادی غیاث‌آبادی، رضا (۱۳۸۶). *نقشه باستانی ایران*، تهران: پژوهش‌های ایرانی و شرکت مهندسی بدر سیستم.
- نصیری، محمدجواد (۱۳۷۴). *سیری در هنر قالی‌بافی ایران*، تهران: مؤلف.
- نعمت‌الهی، فاطمه (۱۳۸۲). *آثار یخساری در دشت نم‌دان فارس*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، نجف‌آباد: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد.
- ویلیام جیمز، دورانت (۱۹۸۲). *تاریخ تمدن*، ترجمه گروه مترجمان، ج ۱، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- یآوری، حسین (۱۳۸۴). *مبانی شناخت قالی ایران*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.